



درس پانزدهم کمال همنشین

گلی خوشبوی در حمام روزی
بدو گفتم که مُشکی یا عَبیری^۲
بگفتا من گلی ناچیز بودم
کمال همنشین در من اثر کرد
رسید از دست محبوبی به دستم^۱
که از بوی دلاویز تو مستم
ولیکن مدتی با گل نشستم
وگر نه من همان خاکم که هستم
سعدی



۱- در زمان‌های گذشته، مردم برای شستن موهایشان از گل‌های مخصوصی که گل سرشویی نام داشت استفاده می‌کردند.

۲- مشک و عبیر نام دو ماده خوشبو و معطر است.

آینده‌ای در برابر

از وقتی با هم کلاسی جدیدش دوست شده بود، دیگر کمتر پیش ما می‌آمد. او تمام وقتش را با همان دوستش می‌گذراند و وقتی هم که پیش ما می‌آمد، دائم دربارهٔ او حرف می‌زد. جمالی آن قدر از ویژگی‌های خوب دوستش می‌گفت که انگار با یک انسان آسمانی دوست شده است. تا اینکه یک روز صبوری به او گفت:

— «درست است که دوست جدیدت ویژگی‌های خوبی دارد اما به نظرم دربارهٔ او زیاده‌روی می‌کنی».

با اینکه صبوری دانش‌آموز با هوش و تیزبینی بود، ولی همه ما از این حرفش تعجب کردیم؛ چون می‌دانستیم او هم مثل ما تا حالا دوست جمالی را ندیده است.

جمالی با ناراحتی گفت: ولی شما یک بار هم دوست مرا ندیده‌ای و با او یک کلمه هم حرف نزده‌ای، چطور می‌توانی بگویی او چگونه آدمی است؟

— «بین جمالی جان، درست است که من تا حالا او را ندیده‌ام، اما اخلاق او را می‌شناسم و می‌توانم بگویم او چگونه آدمی است.»

— مگر ممکن است؟ اگر راست می‌گویی بگو ببینم دربارهٔ او چه می‌دانی؟

— «از ویژگی‌های خوب او این است که خیلی آدم پاکیزه‌ای است و به تمیزی لباس‌هایش حساس است. به هنر علاقه‌مند است و فکر می‌کنم خط خوبی هم داشته باشد. اما متأسفانه ویژگی‌های بدی هم دارد؛ مثلاً او اهل مسخره‌کردن دیگران است و روی دیگران اسم‌های بد می‌گذارد. همین قدر کافی است یا باز هم بگویم؟»

— خیلی عجیب است. اینها را از کجا می‌دانی؟ حالا دیگر مطمئنم که او را دیده‌ای!

— من در حقیقت وقتی رفتارهای جدید تو را می‌بینم، به ویژگی‌های دوستت پی می‌برم. الآن مدتی است که خیلی مراقب تمیزی لباس‌ها و وسایلت هستی و با اینکه چند ماه از سال تحصیلی گذشته شروع به جلد کردن کتاب‌هایت کرده‌ای. این کارها را قبل از آشنایی با دوست جدیدت انجام نمی‌دادی. از این گذشته، چند وقتی است که می‌بینم روی جلد کتاب‌هایت عکس‌های خوشنویسی را چسبانده‌ای و وقت‌های بی‌کاری هم تمرین

خط می‌کنی؛ در حالی که تا چند وقت پیش چندان علاقه‌ای به خوشنویسی نداشتی.
درباره آن اخلاق ناپسند هم بهتر است چیزی نگویم ...



حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید :

هرگاه با نگاه به رفتارهای کسی نتوانستید او را بشناسید، به دوستانش نگاه کنید.
اگر آنها اهل دین بودند، بدانید که او نیز مانند آنهاست. ولی اگر دوستانش دین‌دار
نبودند، بدانید که خودش نیز بهره‌ای از دین ندارد.^۱

فعالیت کلاسی

- ۱- با توجه به داستان، شعر ابتدای درس را دوباره بخوانید و مفهوم آن را برای دوستانتان بازگو کنید.
- ۲- دوستان شما تاکنون چه تأثیری بر رفتارهای شما داشته‌اند؟ شما چه تأثیری بر رفتار آنها داشته‌اید؟

کدام همنشین؟

بعضی از ما همین که شخصی را چند مرتبه در خیابان، مدرسه، صف اتوبوس و یا مکان‌های دیگر ببینیم و از او خوشمان بیاید، با او دوست می‌شویم و بدون هیچ تحقیقی محبت او را به قلب خود راه می‌دهیم. این روش دوست‌یابی به همان اندازه که می‌تواند سودمند و موفقیت‌آمیز باشد، می‌تواند خطرناک نیز باشد؛ چرا که ما به خوبی نمی‌دانیم دوست تازه ما چه ویژگی‌های رفتاری دارد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۶۵.

می‌دانید در این زمان چه باید کرد؟
پیشوای دانیان، حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید :

پیش از آنکه کسی را به دوستی برگزینی، او را امتحان کن و گرنه بدون آنکه خودت بدانی، به همنشینی با بدان گرفتار خواهی شد.^۱

به نظر شما چگونه می‌توانیم دوستانمان را امتحان کنیم؟
امام صادق **علیه السلام** می‌فرماید :

دوستان خود را در [داشتن] دو ویژگی بیازمایید، اگر در آنها بود [با آنان همنشین شوید] و اگر نداشتند [حتماً] از آنان دوری کنید... : [اول] رعایت اوقات نماز و [دیگری] نیکی به برادران [دینی] در سختی و راحتی!^۲

فعالیت کلاسی

به جدول زیر توجه کنید.

رفتار دوست نامناسب	رفتار دوست خوب	
برای انجامش بهانه می‌آورد		اگر او را به کار خوبی دعوت کنید
	آن را برای کسی بازگو نمی‌کند	اگر رازی را با او در میان بگذارید

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۷۲.

۱- غررالحکم، ص ۴۱۶.

با خنده‌اش شما را تشویق می‌کند که دوباره اشتباهتان را تکرار کنید		اگر شما به اشتباه کار بدی انجام دهید
		اگر در مسائل درسی از او کمک بخواهید
	کمک شما را فراموش نمی‌کند	اگر به او کمکی کنید
		اگر به خاطر اشتباهتان از او عذرخواهی کنید
		وقتی عیب‌های او را دوستانه به او بگویید

در این جدول می‌بینید که وقتی شما کاری کرده و یا از دوستانتان تقاضایی می‌کنید، رفتار آنها در برابر کار و درخواست شما یکسان نیست. با توجه به مثال‌ها، جدول بالا را کامل کنید و اگر برای سنجش دوستان خود، راهی را پیشنهاد می‌کنید، آن‌را در بخش انتهایی جدول بنویسید.

آیا می‌دانید تمام این گفت‌وگوها و تحقیق‌ها برای چیست؟
حال اگر بعد از همه این دقت‌ها متوجه شدیم که دوست ما اخلاق بدی دارد و
نمی‌خواهد آن را ترک کند، چه باید کنیم؟

تصمیم آخر

«این بیماری مسری است».

شاید شما هم این جمله را شنیده باشید. بیماری مسری به بیماری ای گفته می شود که از بیمار به دیگران سرایت می کند. هرگاه کسی به این گونه بیماری ها مبتلا شود، پزشکان توصیه می کنند محل استراحت او را از بقیه جدا کنند و ارتباطشان را با او کم کنند. همانند برخی بیماری های جسمی، بیشتر بیماری های اخلاقی نیز مسری هستند و اگر کسی به آنها مبتلا باشد، حتی اگر خودش هم نخواهد خیلی زود دوستانش را نیز مبتلا می کند. در این صورت انسان های زیرک تنها راه باقی مانده را در پیش می گیرند. می دانید کدام راه؟

رسول گرامی اسلام **صلی الله علیه و آله** می فرماید :

دوست خوب بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از دوست بد.^۱

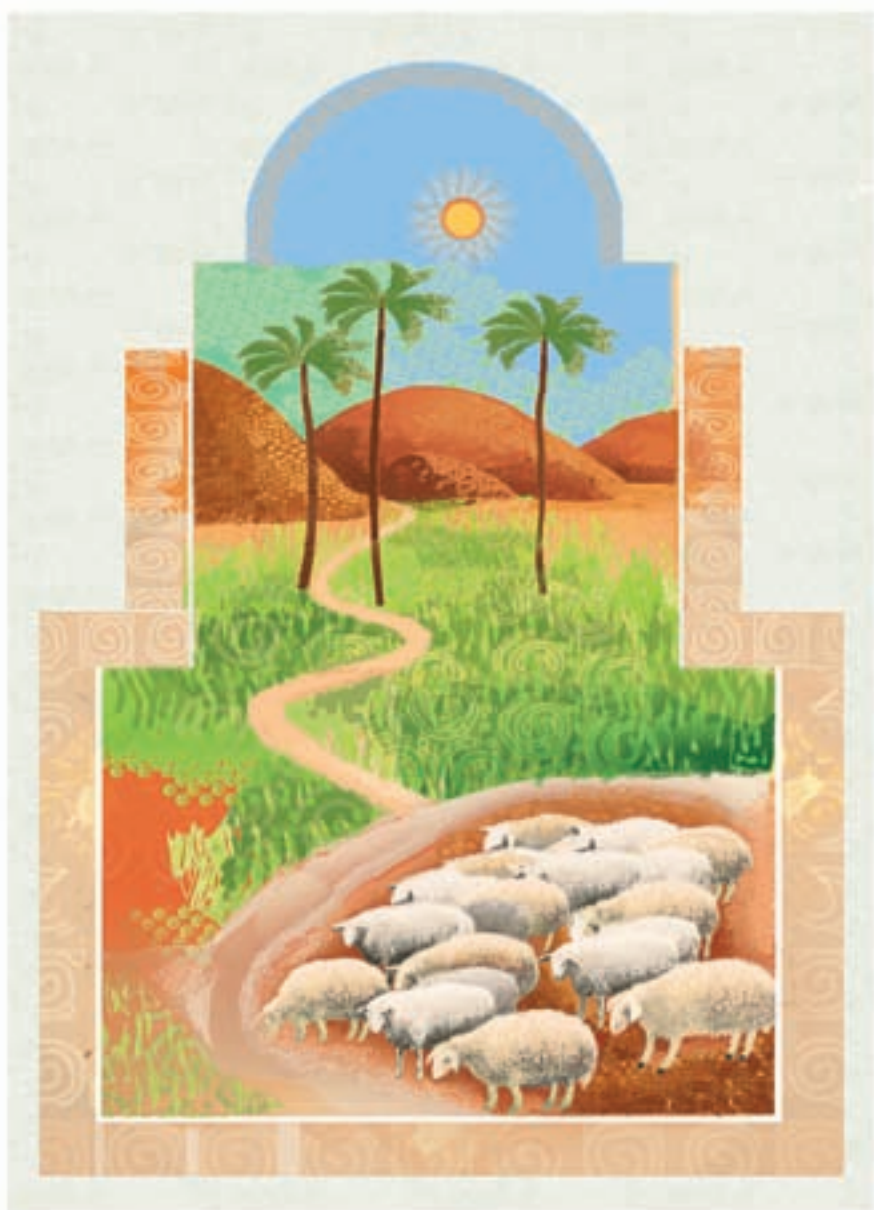
۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۸.

- ۱- بر اساس حدیث امام صادق **علیه السلام** چگونه می‌توانیم دوستان خود را بیازماییم؟
- ۲- به نظر شما چه کسانی می‌توانند در انتخاب دوستان خوب به ما کمک کنند؟ توضیح دهید.
- ۳- شما چگونه می‌توانید دوست خوبی برای دیگران باشید؟

پیشنهادهای

- امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** به فرزند بزرگوارشان امام حسن **علیه السلام** می‌فرماید:
- «پسرم، پیش از آنکه راهی را شروع کنی به دنبال دوستی برای پیمودن آن راه باش.»^۱
- درباره این حدیث متنی بنویسید و آن را در کلاس بخوانید.

۱- نهج البلاغه، ص ۴۰۲.



درس شانزدهم راستگو و راست کردار

من از سال‌ها پیش او را می‌شناسم. پیش از آنکه به پیامبری مبعوث شود. آن وقت‌ها من چوپان بودم و گوسفندان مردم را به صحرا می‌بردم. او هم گاهی گله‌ای را به چراگاه می‌آورد. یک روز که هر دو گوسفندانمان را به صحرا برده بودیم، به او گفتم: باید کم کم به فکر چراگاه دیگری باشیم. این جا دیگر علف چندانی ندارد... او تپه‌ای را در دوردست‌ها نشانم داد و گفت: پشت آن تپه هم علفزاری هست، اگر می‌خواهی فردا صبح هر دو گله‌هایمان را به آنجا می‌بریم. گفتم: باشد، پس قرار ما فردا صبح زود بالای همان تپه...



فردای آن روز، با صدای گوسفندان از خواب بیدار شدم، خورشید بالا آمده بود. یادم آمد که با او قرار داشتم. از جا پریدم، با عجله آبی به صورتم زدم و گوسفندان را به راه انداختم.

گمان نمی‌کنم بردن این گوسفندها دیگر فایده‌ای داشته باشد. گوسفندهای او تا حالا دیگر از آن علفزار چیزی باقی نگذاشته‌اند، ولی چاره‌ای ندارم. هر قدر که مانده باشد، بهتر از هیچ است. این حیوانات گرسنه را که نمی‌توانم همین‌طور رها کنم.



وقتی با گوسفندان بالای تپه رسیدم، از تعجب سر جابم می‌خکوب شدم! محمد امین

گوسفندانش را همان جا نگه داشته بود و نگذاشته بود وارد علفزار شوند.
به او گفت: پس چرا آنها را به داخل علفزار نبردی؟
گفت: قرار ما این بود که با هم گله‌هایمان را بچرانیم.



در درس‌های پیش دربارهٔ بعضی از ویژگی‌های دوستان خوب و بد با هم سخن گفتیم. در این درس دو صفت دیگر از صفات دوستان خوب را بررسی می‌کنیم.

۱- خوش قولی

وقتی به کسی قول می‌دهید که کاری را برایش انجام دهید؛
وقتی با کسی قرار می‌گذارید که همدیگر را در جایی ببینید؛
حتی وقتی با خودتان عهد می‌کنید که؛
در همهٔ این موارد، شما قولی داده‌اید و باید به آن وفا کنید.
وفای به عهد در دین اسلام آن قدر اهمیت دارد که خداوند حکیم آن را نشانهٔ ایمان
برمی‌شمارد و دربارهٔ آن می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ
عَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱.

به راستی که مؤمنان رستگار شدند ... کسانی که امانت‌ها و پیمان خویش را
رعایت می‌کنند.



۱- سورهٔ مؤمنون، آیات ۱ تا ۸.

آیا تا به حال برایتان پیش آمده است که کسی به شما قولی بدهد، ولی به آن عمل نکند؟

در چنین شرایطی نسبت به او چه احساسی پیدا می‌کنید؟
اگر او باز هم به شما قولی بدهد، آیا به سخنش اعتماد می‌کنید؟
وقتی کسی به شما قولی می‌دهد، ولی به آن عمل نمی‌کند، مانند این است که جعبه بزرگی را در کاغذی زیبا پیچیده و به‌عنوان هدیه برای شما بفرستد. وقتی هدیه به دست شما می‌رسد موجب خوشحالی شما می‌شود، اما هنگامی که آن را باز می‌کنید می‌بینید خالی است و هیچ چیز داخل آن نیست.

در این حال چقدر آزرده و ناراحت می‌شوید؟
این همان احساسی است که در هنگام بدقولی به انسان دست می‌دهد.
خداوند بزرگ درباره زشتی این عمل می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ
كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۱.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ این که چیزی بگویید و به آن عمل نکنید، باعث خشم فراوان خدا می‌شود.

حالا خودتان قضاوت کنید، آیا می‌توانید به سخنان کسی اعتماد کنید که خودش به گفته‌هایش پای بند نیست؟ آیا شما حاضرید چنین کسی را دوست خود بدانید؟ دوستان شما چگونه؟

۱- سوره صف، آیات ۲ و ۳.

با دوستانتان دربارهٔ نتیجه‌های پیمان‌شکنی در کلاس گفت‌وگو کنید.



۲- راستگویی

آیا انسان می‌تواند با کسی دوست باشد، ولی هیچ اعتمادی به او نداشته باشد؟

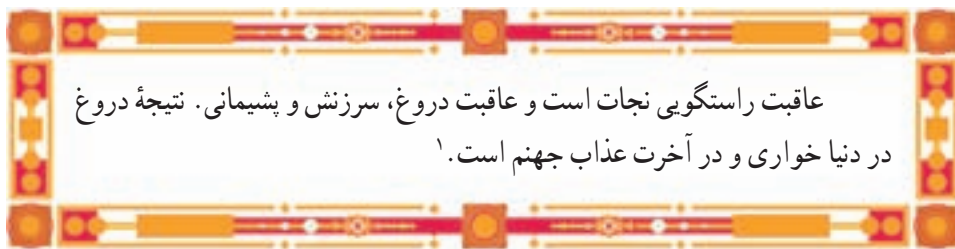
به نظر شما کدام ویژگی بیش از هر چیز دیگر موجب جلب اعتماد مردم می‌شود؟
امام صادق **علیه السلام** می‌فرماید :

برای اینکه کسی را به درستی بشناسید، تنها به طولانی‌بودن رکوع و سجود نمازش نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری او بنگرید. کسی که زبانش راستگو باشد، اعمالش نیز پاک خواهد شد.^۱

ویژگی همهٔ پیامبران راستگویی است. این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که «خورشید همیشه پشت ابر نمی‌ماند»؟ کسی که کار اشتباهی انجام داده است، برای جبران آن اشتباه فقط یک بار باید عذرخواهی کند. اما اگر برای مخفی کردن اشتباهش یک دروغ بگوید، دومین اشتباه را هم مرتکب شده است و ... آبروریزی از آن وقتی شروع می‌شود که خورشید واقعیت از پشت ابر دروغ بیرون می‌آید؛ حادثه‌ای که در انتظار همهٔ دروغ‌گوهاست. به نظر شما در چنین وقتی این انسان خطاکار، چند مرتبه باید شرمندۀ دیگران بشود؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

اینجاست که معنای سخن حکیمانه امیر مؤمنان علی **علیه السلام** بهتر معلوم می شود که فرمود :



خوب است بدانیم که صداقت به جز راستگویی با زبان، معنای دیگری هم دارد : صداقت عملی؛ یعنی اینکه هر کس سخنی را به دیگران توصیه می کند، خودش نیز به سخنش عمل کند و بین سخن و عمل خودش هماهنگی باشد.

ماجرایی که می خوانید، نمونه بسیار روشنی برای این نوع از صداقت است : روزی رسول اکرم **صلی الله علیه و آله** با اصحاب مشغول گفت و گو بودند. ظرف خرمایی هم در مقابلشان بود که از آن میل می کردند.

در همین حال مادری فرزندش را پیش پیامبر آورد و گفت : ای رسول خدا، فرزند من بیش از اندازه خرما می خورد. من نگرانم که برایش زیان آور باشد. از شما می خواهم که او را نصیحت کنید و از این کار بازدارید.

پیامبر خدا فکری کرده و فرمود : اکنون برو و فردا فرزندت را بیاور تا با او صحبت کنم ...

حتماً می توانید حدس بزنید که چرا پیامبر خدا، همان روز با فرزند او درباره خوردن خرما صحبت نکرد.

۱- غررالحکم، ص ۲۱۹.

به نظر شما آیا بین دروغ‌گویی و پیمان‌شکنی ارتباطی وجود دارد؟ دربارهٔ این موضوع در کلاس گفت‌وگو کنید.

ما باید چه کنیم که هرگز گرفتار صفت ناپسند دروغ‌گویی نشویم؟ بسیاری از دروغ‌های بزرگ، نتیجهٔ دروغ‌های کوچکی است که به‌عنوان شوخی گفته می‌شود. وقتی انسان عادت می‌کند به شوخی دروغ بگوید، بعد از مدتی بدون اینکه خودش بداند، گرفتار اخلاق زشت دروغ‌گویی می‌شود. در این حالت دیگر دروغ‌های کوچک و بزرگ برایش فرقی نخواهد داشت. او کم‌کم در میان دوستانش به دروغ‌گویی مشهور می‌شود و آبرو و اعتبارش را از دست می‌دهد و ناخودآگاه به گناهان بزرگ دیگر نیز گرفتار می‌شود.

رسول گرامی اسلام **صلی الله علیه و آله** برای پیشگیری از این گناه بزرگ می‌فرماید:

هرکس دروغ گفتن را ترک کند و حتی به شوخی هم دروغ نگوید، من ضمانت می‌کنم که خداوند به او در بهشت سه قصر می‌بخشد. یکی در بالاترین جای بهشت، یکی در وسط بهشت و یکی در میان باغ‌های انبوه بهشت.^۱

اول کدام کار ...

مردی نزد رسول گرامی **صلی الله علیه و آله آمد و گفت** :
 «ای پیامبر خدا، من نماز نمی خوانم، مرتکب کارهای زشت می شوم و دروغ هم
 می گویم. حالا می خواهم توبه کنم. به نظر شما اول کدام کار را ترک کنم؟»
 پیامبر دانا و حکیم فرمود: اول دروغ را ترک کن.
 مرد این کلام را پذیرفت و در حضور پیامبر اکرم با خودش عهد کرد که دیگر
 دروغ نگوید.

وقتی به خانه اش بازگشت، وسوسه های شیطان به سراغش آمد تا او را دوباره به
 گناهان و کارهای زشت بکشاند. چیزی نمانده بود که شیطان پیروز شود، ناگهان به یاد
 قول خود با پیامبر افتاد. با خود گفت: اگر من الان مرتکب این گناه شوم، فردا پیامبر
 اگر از من بپرسد آیا دیروز باز هم گناه کردی یا نه چه بگویم؟
 اگر بگویم آری که هم آبرویم می رود و هم مجازات می شوم. اگر هم بگویم
 نه، دروغ گفته ام و عهد خود را زیر پا گذاشته ام. پس بهتر است از انجام این گناه
 چشم پوشی کنم.

وقت نماز که رسید، باز هم شیطان دست به کار شد تا او را از خواندن نماز سست
 کند. دوباره به یاد قولی افتاد که به رسول خدا داده بود. با خودش گفت :
 اگر فردا پیامبر از من بپرسد دیروز نمازت را به موقع خواندی یا نه چه جوابی به
 او بدهم؟ ...

حتماً می توانید بقیه این ماجرا را خودتان پیش بینی کنید!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید :

سه خصوصیت است که اگر در کسی باشد، منافق است؛ هر چند نماز بخواند،
روزه بگیرد و خودش را مسلمان بداند :
خیانت در امانت، دروغ‌گویی و پیمان‌شکنی!

خودت را امتحان کن

- ۱- سه مورد از زیان‌های پیمان‌شکنی را بیان کنید.
- ۲- وفای به عهد و خوش‌قولی چه فوایدی دارد؟
- ۳- دروغ‌نگفتن چگونه می‌تواند جلوی گناهان را بگیرد؟
- ۴- اگر یک روز همه مردم تصمیم بگیرند دروغ بگویند، چه خواهد

شد؟

پیشناو

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید :
تمام زشتی‌ها و پلیدی‌ها در خانه‌ای جمع شده است و کلید آن خانه
دروغ است.^۲
درباره این حدیث ارزشمند با پدر، مادر و یا افراد آگاه دیگر گفت‌وگو
کنید و نتیجه آن را بنویسید و در کلاس بخوانید.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۳۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۵.

الهی

خداوندا،

ای راستگوترین راستگویان و ای مهربان‌ترین
مهربانان،

سخنانی گفته‌ام که راست نبودند؛

و تو آنها را شنیده‌ای!

و عهدهایی که به آنها وفا نکردم!

و خود می‌دانم که بد کرده‌ام؛

الهی،

اکنون به تو پناه می‌برم از اینکه باز راست نگویم و

به آنچه گفته‌ام عمل نکنم!

پروردگارا،

پس خطاهایم را ببخش و مرا یاری کن؛

یاری‌ام کن تا آنچه بد است، هرگز انجام ندهم؛

و از آنچه تو دوست داری روی نگردانم!

تو هم می‌توانی چند جمله با پروردگارت مناجات

کنی ...

.....

.....



قرآن کریم

- ۱- ارشاد القلوب الى الصواب، ديلمى، حسن بن محمد، قم، انتشارات شريف رضى، ۱۴۱۲.
- ۲- أعلام الدين، ديلمى، حسن بن ابى الحسن، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۸.
- ۳- الأمالى، شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، قم، انتشارات كتابخانه اسلاميه، ۱۳۶۲.
- ۴- الأمالى، شيخ طوسى، محمد بن حسن، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴.
- ۵- بحار الأنوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.
- ۶- برداشت هاى از سيره امام خمينى (ره)، غلامعلى رجاى، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره)، ۱۳۸۵.
- ۷- تنبيه الخواطر (مجموعه ورام)، ورام بن ابى فراس، قم، مكتبة الفقيه، بى تا.
- ۸- خدای من، فريبا كلهر، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷.
- ۹- الخصال، شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.
- ۱۰- دانشنامه رشد، سايت آموزشی رشد.
- ۱۱- ديوان حافظ، حافظ (شاعر)، تهران، نشر عقيل، ۱۳۸۵.
- ۱۲- سنن النبى، علامه طباطبايى، سيد محمد حسين، قم، نشر همگرا، ۱۳۸۵.
- ۱۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، عز الدين، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ۱۳۴۰.
- ۱۴- الصحيفه السجادية، قم، دفتر نشر الهادى، ۱۳۷۶.
- ۱۵- الطبقات الكبرى، ابن سعد، محمد، بيروت، نشر دار صادر، بى تا.
- ۱۶- علل الشرائع، شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، قم، انتشارات مكتبة الداورى، بى تا.
- ۱۷- عوالى اللغالى، ابن ابى جمهور احسائى، ابو جعفر، محمد بن على، قم، انتشارات سيد الشهداء عليه السلام، ۱۴۰۵.
- ۱۸- عيون الحكم و المواعظ، الليثى الواسطى، على بن محمد، قم، دار الحديث، ۱۳۷۶.
- ۱۹- قرب الاسناد، حميدى بغدادى، عبدالله، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۳.
- ۲۰- غرر الحكم و درر الكلم، أمدى، عبدالواحد بن محمد تميمى، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۶۶.
- ۲۱- الكافى، كلينى، محمد بن يعقوب، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵.
- ۲۲- كنز العمال، متقى هندى، بيروت، مؤسسة الرسالة، بى تا.
- ۲۳- مستدرک الوسائل، محدث نورى، حسين، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸.
- ۲۴- معانى الأخبار، شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.
- ۲۵- المعجم الصغير، الطبرانى، سليمان بن احمد، بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا.
- ۲۶- مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى.
- ۲۷- نهج البلاغه، نسخه صبحى صالح، قم، انتشارات دارالهجره، بى تا.
- ۲۸- الوافى بالوفيات، صفدى، صلاح الدين خليل بن ايبك، بيروت، داراحياء التراث، ۱۴۲۰.
- ۲۹- وسائل الشيعه، حر عاملى، محمد بن حسن، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹.